

پرسپولیس؛ مهد مربیان خارجی ناموفق

اگر آلن راجرز انگلیسی و استانکو پوکله پوویچ کروات را نادیده بگیریم، پرسپولیس مهد مربیان خارجی ناموفق بوده است.



جام جم آنلاین: اگر آلن راجرز انگلیسی و استانکو پوکله پوویچ کروات را نادیده بگیریم، پرسپولیس مهد مربیان خارجی ناموفق بوده است. مربیانی که یا اصلاً زمینه‌ها و ابزار کسب موفقیت را در جمع قرمزها نداشتند یا داشتند ولی چون چند ناکامی کسب کردند و فشار روی آنها بالا گرفت و عصبی‌تر و پراشتباه‌تر شدند، عمرشان در این تیم کوتاه‌تر گشت و به‌سرعت عذرشان را خواستند.

مانوئل ژوزه که به نظر می‌رسد به قماش دوم تعلق داشته باشد و با وجود برد خفیف و آبکی یک بر صفر پنجشنبه 6 مهرماه تیمش در برابر تیم آلومینیوم هرمزگان در تهران شاید آینده‌ای کوتاه در پرسپولیس داشته باشد، دومین مربی پرتغالی تاریخ حیات قرمزهاست. اولی نلو وینگادا بود که فقط در 17 بازی سکان هدایت تیم را در دست داشت و 8 برد و 5 باخت کسب کرد که طبعاً کارنامه درخشانی برای پرسپولیس نبود. کارنامه مانوئل ژوزه 66 ساله با احتساب 10 هفته آغازین فصل جاری مشتمل بر چهار باخت و فقط دو برد است و به این ترتیب از وینگادا هم بدتر به نظر می‌رسد و اگر هنوز او را رد نکرده‌اند به سبب لجاجت مدیران سرخ در قبال اعتراض‌کنندگانی است که می‌گویند ژوزه راه و هدف را گم کرده و مولفه‌های فوتبال ایران و چرخه‌های کار در پرسپولیس را نمی‌شناسد. با این که این مدیران متوجه شده‌اند این اظهار نظر صحیح است، برای حمایت از انتخاب اولیه خویش، همچنان بر آن پای می‌فشارند.

در نقطه مقابل این دو پرتغالی که هیچ‌گاه نتوانستند بر قاطبه بازیکنان پرسپولیس به لحاظ روحی سوار شوند و غریبه آمدند و غریبه رفتند، آلن راجرز و استانکو پوکله پوویچ قرار می‌گیرند. اولی یک انگلیسی درجه چندم بود که در کشورش نیز کسی نام او را نشنیده بود اما خوب موقعی به پرسپولیس آمد. وجود مهره‌های متعدد قوی در جمع سرخ‌های آن زمان و مهارت ذاتی مدافعان کناری آن زمان پرسپولیس (ابراهیم آشتیانی و رضا وطنخواه) در ارسال سانترهای بلند از جناحین و قدرت خیره‌کننده سرزنی مهاجمان نوک (به قول امروزی‌ها مهاجمان هدف) تیم شامل همایون بهزادی و حسین کلانی و بعدها صفر ایرانی‌ک، پرسپولیس را به وسیله مناسبی برای اجرای بازی بریتانیایی دلخواه راجرز تبدیل می‌کرد. از این طریق بود که پرسپولیس راجرز در 96 بازی رسمی 56 برد کسب کرد و در قبال 175 گل زده، بیشتر از 63 گل نخورد. معدل برد او (58/3 درصد) بالاترین معدل پیروزی در میان تمام مربیان تاریخ پرسپولیس است و بازیکنان آن وقت پرسپولیس شامل علی پروین هنوز به نیکی از او یاد می‌کنند.

حکومت راجرز در اواخر دهه 1960 و اوایل دهه 1970 میلادی و بهتر بگوییم اوایل دهه 1350 شمسی شکل گرفت و استانکو که در نیمه اول دهه 1370 سکاندار قرمزها شد تقریباً تا مرز برابری با راجرز پیش رفت. پرسپولیس‌ها با هدایت این کروات بلندقد و تا حدی سنگین‌وزن، 54 بازی رسمی انجام دادند و 31 مسابقه آن را بردند تا معدل استانکو 57/4 درصد شود. اگر راجرز در دوران #171; کم‌جام؛ فوتبال ایران دو جام برای پرسپولیس صید کرد که یکی از آنها اولین قهرمانی این تیم در جام تخت‌جمشید سابق بود، استانکو دو قهرمانی متوالی را در لیگ آزادگان در سال‌های 1375 و 76 برای سرخ‌ها ثبت کرد. هر چند دومی با مشارکت چشمگیر حمید درخشان دستیار اول وقت استانکو همراه شد، زیرا این مرد کروات در اواسط فصل به کشورش بازگشت و درخشان بود که در عین جوانی، تیم را از او تحویل گرفت و به ساحل قهرمانی رساند.

از استانکو که بگذریم، این نکته مشخص است که کارنامه سایر مربیان خارجی پرسپولیس به قدری ناموفق است که هیچ‌کس از رفتن آنها غصه نخورد. هانس یورگن گده آلمانی در تیم کشاورز در اوایل دهه 1370 انقلاب کرد، اما در پرسپولیس شهرآورد تهران را بسیار آفاترورار و با حساب 1-3 به آبی‌ها واگذار کرد و در 22 بازی در مقام مرد اول کادر فنی قرمزها فقط شش برد به دست آورد.

ایویکیا مت‌کوویچ کروات در 13 بازی، هفت برد به ارمغان آورد و به معدل 53/8 درصد پیروزی رسید که آمار بدی نبود اما به علی پروینی خورد که بعد از پنج سال دوری از پرسپولیس، آمده بود همه چیز را قبضه کند و البته کرد و وی را عزل و خودش را سرمربی کرد. رایبر زوبل آلمانی در نظام پروین دچار سرسام شد، زیرا به ادعای علی پروین هم اختیار تام داشت و هم نداشت و باوجود فتح نیمی از بازی‌های تیمش و رسیدن به معدل 51/6 درصد زیر پایش را خالی کردند. وضع اشمیت، هموطن زوبل از او هم تیره‌تر بود. چون پروین و ابراهیمی رسماً در ارنج‌های او دست می‌بردند و بعد از هر ناکامی تیم، تقصیرها را گردن او می‌انداختند.

با کارنامه‌هایی از این دست، بیلان ژرمن‌ها در پرسپولیس به قدری پایین آمد که دیگر کسی سراغشان نرفت و مربیان خارجی اخیر پرسپولیس از ترکیه (مصطفی دنیزلی)، کرواسی (زلاتکو کرانچار) و البته پرتغال (وینگادا و ژوزه) بوده‌اند.

هواداران پرسپولیس طاقت باخت را ندارند و مربیان و ستاره‌های قدیمی پرسپولیس هم دوست ندارند يك خارجي را در راس امور فني تیم ببینند. با این اوصاف، دو بار رفتن دنیزلی و جواب گفته شدن وینگو بگوویچ و ولادیسلاو بگوویچ جاي تعجبي نداشته است هرچند 171#&؛ بگوویچ دوم؛ فقط در پنج بازی سکندار بود و تنها يك باخت داشت. در میان مدیران سرخ فقط رویانیان است که پای مربیان خارجي منتخب خود مانده است. اما اقدام او به این سبب که یا اصولاً گزینش‌های اشتباهی بودند (نمونه: دنیزلی که تیم‌هایش اصلاً خط دفاعی ندارند) یا درست بودند ولی بدهنگام و بسیار دیر استخدام شدند و فرصتی برای تطابق نداشتند (نمونه: ژوزه) کاری چندان مفیدتر از اسلاف وی نبوده است که خارجي‌هایی چه خوب و چه بد را آوردند و پایشان نایستادند.

مهم‌ترین قربانی پرسپولیس که شایستگی‌اش بعداً اثبات شد، زلاتکو کرانچار بود که سه فصل پیش فقط اجازه هدایت پرسپولیس در 13 بازی به وی داده و سپس خلع شد. او رفت و بعد از مدتی برگشت و سپاهان را قهرمان لیگ برتر کشور کرد و آن هم در فصلی که پرسپولیس دوازدهم شد!

وصال روحانی / جام جم